

مسکن در دهستان دوهزار شهرستان تنکابن

مقصومه حسن نژاد
دبیر جغرافیا - تنکابن

جامعه تحول پیدا می کنند. به وجود آمدن الگوهای جدید مسکن، اولین صورت این تحول است (زرگر، ۱۳۷۸، ص ۱۷). تغییرات ایجاد شده در الگوهای خانه سازی منطقه ی دوهزار مصداق این امر است.

در گذر زمان، سیر تکوینی زندگی اجتماعی در منطقه ی دوهزار باعث شده است که شکل های متفاوتی از محل سکونت را تجربه کند. خانه های روستایی گونه هایی از این دستاورد بشری هستند. در هر دوره، عواملی در تأثیر متقابل با هم، سبب ایجاد تحول و دگرگونی در شکل خانه های منطقه ی دوهزار شده است که نمونه های این تحولات در بیش تر نقاط ایران مشاهده می شوند.

با تحول در شکل و معماری خانه ها، تمام عوامل مرتبط و زمینه ساز با مسکن نیز دچار دگرگونی و تحول می شوند. در حقیقت، خانه های روستایی را می توان تجلیگاه شیوه های زیستی، معیشتی و نهایتاً نیروها و عوامل مؤثر و روندهای اجتماعی-اقتصادی تأثیر گذار در شکل بخشی به آن ها دانست (سعیدی، ۱۳۷۳، ص ۵۱۱).

با گسترش ارتباطات، جابه جایی جمعیت، پیشرفت فناوری و تحولات اقتصادی و اجتماعی عصر حاضر، دگرگونی هایی جدید، چه در عرصه ی شیوه ی ساخت و چه در عرصه ی استفاده از مواد و

مقدمه
در جوامع سنتی و به طریق اولی در جوامع روستایی، الگوی خاص، تداوم معماری سنتی و بومی است. این الگو حاصل همکاری افراد طی نسل های متمادی است. همکاری بین آن ها، نیازهای مشترک و معین معنوی و مادی آن ها و بسیاری مسائل دیگر، سبب به وجود آمدن خانه های شخصی، بناهای عمومی و مکان های اجتماع افراد روستا با الگوی معین می شود.

نسل های متمادی جوامع روستایی، براساس همین نیازهای مشترک و معین، از خانه ها، بناهای عام المنفعه، میدان ها، راه ها و غیره استفاده می کنند. در ساختن خانه های روستایی از الگوهای سنتی پیروی می شود و کیفیت و زیبایی این الگو نیز پیرو سنت است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. در جوامع روستایی، سنت مورد قبول همگان است. مادامی که سنت دارای نیروی زندگی، پویندگی و پابندگی است، این کالبد به خوبی عمل می کند.

هنگامی که سنت از بین می رود، سیمای کلی جامعه نیز دگرگون می شود. زیرا بدون سنت دیگر نمی شود به قواعد و مقررات مورد قبول جامعه، پای بند بود. در نتیجه، به تدریج نهاد های گوناگونی در جامعه شکل می گیرند و نهادی شدن جامعه آغاز می شود. نهادها که بخشی از وظایف سنت را عهده دار می شوند، خود نیز با تغییرات



نمایی از خانه‌های سنتی دهستان دوهزار (از گامه)



بعد الوارها را یکی پس از دیگری از دو طرف یا دو وجه خانه، روی هم قرار می‌دهند؛ طوری که انتهای الوارها در قسمت کنج اتاق‌ها روی هم قرار بگیرند. فاصله‌ی بین آن‌ها را به منظور دیوارکشی و ایجاد حائل از گل پر می‌کنند و روی آن‌ها را معمولاً از

مصالح به کار رفته در خانه‌های روستایی منطقه‌ی دوهزار به وجود آمده است. در همین رابطه به بررسی و شناخت تحولات ایجاد شده در خانه‌های روستایی این منطقه و علت‌های ایجاد این تغییرات می‌پردازیم.

دهستان دوهزار

این دهستان از توابع شهرستان تنکابن است که از لحاظ وسعت در میان دهستان‌های بخش مرکزی تنکابن، کم‌ترین وسعت را دارد. مسافت آن تا شهرستان تنکابن ۳۵ کیلومتر است و بعد از دهستان «سه‌هزار»، از محروم‌ترین منطقه‌های شهرستان محسوب می‌شود. مساحت آن حدود ۲۶۸/۵ کیلومتر مربع است و از نظر موقعیت ریاضی در مختصات جغرافیایی ۵۰ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۴۵ دقیقه عرض شمالی واقع شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

طبق آمار به دست آمده از ایستگاه هواشناسی رامسر، وجه تمایز این ناحیه از منطقه‌ی جلگه‌ای مازندران، زمستان‌های طولانی با بارش برف و تابستان‌های معتدل و کوتاه است. دمای هوا در منطقه‌ی دوهزار در برخی از روزهای سرد زمستان تا حدود زیر صفر درجه می‌رسد. از مطالعات انجام شده در این منطقه معلوم شده است که دوره‌ی گرمای آن طولانی نیست و از سه تا چهار ماه تجاوز نمی‌کند. وجود چشم‌اندازها و مناظر دل‌انگیز و زیبای منطقه و آب و هوای مطبوع آن، عاملی مؤثر در جذب افراد بومی و غیربومی است که از نقاط گوناگون برای گریز از گرمای تابستان به این منطقه هجوم می‌آورند.

تیپ‌های بارز مسکن در دهستان دوهزار

در بافت روستایی ناحیه‌ی مورد مطالعه، ما شاهد دو تیپ از خانه‌ها هستیم:

۱. خانه‌های سنتی بومی

این خانه‌ها شامل دو گونه خانه‌ی روستایی می‌شوند که به ترتیب قدمت ساخت، شامل خانه‌های سنتی به نام «ازگامه» یا «دارچین» و خانه‌ی خشتی هستند. مسکن ازگامه با اقلیم و نوع فعالیت اقتصادی حاکم بر منطقه در سازگاری کامل است. برای برپایی ساختمان، به این ترتیب عمل می‌کنند: ابتدا در دامنه‌ی شیب و یا روی کف زمین اصلی، برای اجرای دیوارها که معمولاً نوع آن‌ها حمال است، زمین را در حدود ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر در ابعاد ۴×۶ حفر می‌کنند تا به زمین سخت برسند. پهنای این قسمت، بیش‌تر از پهنای دیوارهاست. سنگ‌چینی تا حدود ۱/۵ متر از کف زمین بالا می‌آید تا نقش کرسی را برای جلوگیری از نفوذ رطوبت ایفا کند و در برابر ضربه‌های اتفاقی عناصر گوناگون، مقاومت کافی به وجود آورد.

۲. خانه های جدید (بلوکه)

این خانه ها با الهام از سبک خانه های شهری و با مصالح به کار رفته در آن ها بنا شده اند که قدمت آن ها حدود ۱۰ تا ۱۵ سال است. به تقلید و الگوبرداری از خانه های مهاجران به منطقه ساخته شده و مصالح آن ها جدید و از فونداسیون پر هزینه و مقاوم برخوردارند. در واقع، یکی از جنبه های تأثیرگذاری افراد غیر بومی، تحول در نوع و شکل ساخت خانه هاست. تعداد افراد مهاجر به منطقه بسیار زیاد است و همه دارای خانه نیستند، بنابراین خانه های روستاییان را کرایه می کنند. این عامل انگیزه ای شده است تا بومیان منطقه، شیوه ی خانه سازی خود را تغییر دهند. زیرا در صورت وجود خانه هایی به سبک شهری، زیباتر و با مصالح جدید و وسایل رفاهی بیش تر، افراد شهری تمایل بیش تری برای کرایه ی این خانه ها پیدا می کنند. این موضوع تعدادی از روستاییان را واداشته است تا به صورت انفرادی یا مشارکتی که به اصطلاح محلی به آن «نیما کراتی» می گویند، دست به ساخت خانه هایی با مصالح شهری و مشابه مصالح به کار رفته در خانه های افراد مهاجر بزنند و بدین ترتیب، توجه افراد را برای کرایه ی منزلشان جذب کنند. این خانه های بلوکی را به صورت اسکلت بتونی با سقف تیرچه بلوک، ترکیبی از میلگرد و سیمان و با اجرای شیروانی به صورت ایرانیت برای ساختن سقف بنا احداث می کنند.



نمایی از مسکن جدید (بلوکه) در دهستان دوهزار

قسمت درونی خانه کاهگل می کشند. این نوع دیوار چینی چوب بسیار زیادی مصرف می کند و بسیار سنگین است. افراد محل به این روش و به این نوع دیوار یا جدار «زگمه ای» می گویند. برای ساختن دیوار زگمه ای، تیرها یا تنه های درخت را با نظم و روش خاصی، از طرف پهلو روی هم می چینند و در زاویه ها نیز، با تراشیدن قسمت هایی از هر دو طرف دو تیر، آن ها را در هم فرو می برند تا دیواری به وجود آورند. بین این تیرها نیز با اندود گل پر می شود. حاصل این شیوه، ساختمانی بسیار مقاوم است و قدمت آن ها نشانه ی این استحکام است.

تاریخ شکل گیری و ساخت این خانه ها به قبل از سال های ۱۳۴۰ ق می رسد و اغلب آن ها قدمتی حدود ۶۰ تا ۷۰ سال دارند. به دلیل فراوانی چوب در ناحیه، سهولت ساخت این نوع خانه ها، سازگاری با محیط طبیعی منطقه و عدم نیاز به مهارت خاص، تعداد این خانه ها در منطقه افزایش یافت؛ به طوری که در حال حاضر نیز بیش تر خانه های دهستان از این نوع هستند.

خانه ی خشتی (لت به سر)

نوع دوم خانه های بومی که قدمتی کم تر از خانه های از گامه دارند، به نام خانه های خشتی معروفند. قدمت این خانه ها به حدود ۳۰ سال می رسد و در حقیقت، شکل کامل شده ی خانه ی از گامه هستند که پس از یکجانشین شدن به صورت دائم، خانه های از گامه را تغییر داده و به این شکل در آورده اند. اما به دلیل عدم سازگاری با اقلیم منطقه، دشواری ساخت آن نسبت به نوع از گامه، عدم استحکام و مقاومت در مقابل باران و برف نسبت به خانه ی نوع قبلی، دوام چندانی در منطقه نیاورد. شیوه ی ساخت و روش پی سازی در این نوع خانه ها به مانند «از گامه» است، با این تفاوت که بعد از مرحله ی کرسی و چیدن دیوارها، از خشت یا آجرهای گلی که از خاک رس ساخته شده اند، استفاده می شود.



نمایی از خانه ی گلی در دهستان دوهزار

تحولات ایجاد شده در خانه‌های دهستان دوهزار

کارکرد خانه‌ها در جامعه‌ی روستایی با خانه‌های جامعه‌ی شهری دارای تفاوت‌هایی است. مسکن در شهر مکانی است برای استراحت و مصرف. در حالی که مسکن در روستا، علاوه بر این دو، جایی است برای تولید، انبار محصولات کشاورزی، محل نگهداری دام و... یعنی کارکرد تولیدی دارد و ما در دهستان دو هزار شاهد تفاوت در کارکرد خانه‌های سنتی و جدید هستیم که به لحاظ تغییر الگو، کاهش مساحت و زیربنا، تغییر بافت روستا و... حادث شده است. عمده‌ترین تحولاتی که در ساخت خانه‌ها صورت گرفته‌اند به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) تغییر در تیپ و الگوی مسکن: با افزایش ورود مهاجران به منطقه‌ی دوهزار که ناشی از عامل ایجاد راه است، شاهد تغییر در تیپ و الگوی خانه‌های سنتی بومی هستیم. در سال ۱۳۶۵، جاده‌ی آسفالتی تنکابن - دوهزار احداث شد که رفت و آمد را آسان کرد. چشم‌اندازهای زیبای طبیعت و آب و هوای بسیار مطبوع دوهزار، افراد غیربومی بسیاری را از نقاط شهری اطراف جذب کرد. در نتیجه، پیوستگی بین کانون‌های شهری و روستایی افزایش یافت و موجبات رغبت به ساخت خانه‌هایی برای استراحت و سکونت موقت را فراهم آورد. تأثیرپذیری از نحوه‌ی ساخت و ساز خانه‌های شهری و نوع مصالح آن‌ها، روستاییان را ناخودآگاه وادار به تغییر شیوه‌ی خانه‌سازی خود و ساخت خانه‌هایی به سبک شهری و غیربومی کرد. در نتیجه، دگرگونی‌هایی در تیپ و الگوی خانه‌ها ایجاد شد که این تغییرات را می‌توان در ابعاد و تعداد فضاهای موجود در خانه‌های سنتی مشاهده کرد که به تبع، بر نحوه‌ی کارکرد مسکن روستایی تأثیر به‌سزایی می‌گذارد.

ب) تغییر در مصالح و مواد ساختمانی: عمده‌ترین مصالح ساختمانی در خانه‌های سنتی، چوب و گل است، اما با ورود افراد غیربومی به منطقه و شروع ساخت و ساز آن‌ها، روستاییان به الگوبرداری از تیپ، فرم و مصالح خانه‌های این افراد دست زدند. در حالی که پیش از این، روستاییان به تبعیت از محیط طبیعی و اقلیم منطقه، از مصالح پیرامون خود از قبیل چوب و خاک که به فراوانی در محیط یافت می‌شدند، در ساخت خانه‌هایشان استفاده می‌کردند. این مصالح بومی مزایایی نیز دارند، از جمله این که به علت تطابق با محیط و تجربه‌ی چندین ساله‌ی نسل‌های گذشته، در معماری از آن‌ها استفاده‌ی به‌جا و کارآمدی می‌شد؛ چرا که در ساخت خانه‌های بومی از گل و چوب استفاده می‌شود که بهترین عایق برای جلوگیری از ورود گرما و سرما به داخل واحد مسکونی هستند. اما در خانه‌های جدید، بیش‌ترین مصالح مورد استفاده عبارتند از: گچ و آهن، بلوک سیمانی و در پاره‌ای موارد آجر که به تقلید و الگوبرداری از خانه‌های افراد غیربومی و همچنین خانه‌های واقع در شهرهای ساحلی وارد منطقه شده است.

ج) تغییر در ابعاد و هزینه‌ی ساخت مسکن: هزینه‌ی مسکن را می‌توان به منزله‌ی معیار درجه‌ی دسترسی خانواده‌ها به مسکن قابل

قبول و محیط مناسب به‌شمار آورد. به همین دلیل هزینه‌ی مسکن عمده‌ترین مانع فراراه اجرای سیاست‌های تأمین مسکن را متعکس می‌سازد. در هر جامعه‌ای، چه توسعه‌یافته چه توسعه‌نیافته، افراد خانوار بخشی از درآمد خود را صرف هزینه‌ی مسکن می‌کنند (زنجان، ۱۳۷۴، ص ۱۳۹).

در اغلب روستاها، به دلیل دسترسی به مصالح در محل، هزینه‌ی ساختمان پائین است و مخصوصاً که سنت‌های بومی مشارکت جمعی روستاییان در مراحل اجرا و برپایی بنا نیز غالباً وجود دارد و کار را تا حد زیادی آسان می‌سازد. طبق تحقیقات به عمل آمده در منطقه‌ی مورد نظر، ساخت یک خانه به شیوه‌ی بومی هزینه‌ای معادل ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار ریال را می‌طلبد. این نوع مسکن جوابگوی نیاز فرد روستایی و منطبق با سطح درآمد و نوع فعالیت اقتصادی اوست. همچنین، ساخت این نوع مسکن، به مهارت و آگاهی خاصی نیاز ندارد و روستایی طبق تجربه‌ی نسل‌های گذشته، به آگاهی لازم در زمینه‌ی ساخت این گونه خانه‌ها دست یافته است.

اما در ساخت خانه‌های جدید، مصالح به‌صورت وارداتی و متضمن هزینه و حمل و نقل است. همچنین، اجرت ساختمان‌سازی نیز هزینه‌ای جدی را می‌طلبد که آن هم به نوع مصالح و تکنیک‌های ساختمان‌سازی بستگی دارد. چون ساخت خانه به شیوه‌ی جدید و با مصالح غیربومی امری تخصصی و لازمی آن اجیر کردن بنا و استاد کار است که از خود روستا و یاروستاهای دیگر و گاهی نیز باید از شهر آورده شود. هزینه‌ی ساخت این نوع مسکن، مبلغی در حدود ۶۰ هزار ریال برای هر مترمربع است. از آن‌جا که ساخت خانه‌های جدید، هزینه‌ای بالا را می‌طلبد، فرد روستایی که تحت تأثیر فرهنگ خانه‌سازی شهری و فضاها و مصالح مورد استفاده در آن قرار گرفته، برای تأمین هزینه‌ی ساخت مسکن، ناگزیر به فروش زمین و یا دام خویش است. این امر، زمینه‌های لازم را برای تغییر کارکردهای خانه‌ها و نوع فعالیت اقتصادی افراد روستایی فراهم آورده است. خانه‌های سنتی دو طبقه هستند و متراژ هر طبقه به ۴۰ تا ۵۰ مترمربع می‌رسد. اما در خانه‌های جدید ابعاد مسکن تغییر کرده و متراژ آن‌ها حداکثر ۷۰ تا ۸۰ متر مربع است که بیش‌تر از این متراژ بر ایشان گران و پرهزینه تمام می‌شود. در واقع خانه‌گران‌تر شده و قیمت آن نسبت به خانه‌ی سنتی فوق‌العاده افزایش یافته است؛ طوری که تهیه‌ی مصالح از اختیار ساکنان آینده و نیز از دست پیشه‌وران محلی خارج شده است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، مجموعه مشاهداتی که در دهستان دوهزار از زیستگاه‌های روستایی متفاوت به عمل آمده است، بر وجود ارتباط مستقیمی بین تراکم خانه‌ها در بافت و شرایط اقتصادی، و نوع معاش تأکید دارد.

در روستاهای منطقه‌ی دوهزار، به دلیل وجود آب به قدر کفایت،

مساعده بودن وضع مالکیت بر روی زمین‌ها در بخش کشاورزی و نیز سرسبزی مراتع، گستردگی و قابل بهره‌برداری بودن آن‌ها در بخش معیشت دامداری و... معیشت دامداری و باغداری و یا توأمانی از این دو، رونق دارد. طبق سرشماری‌های انجام گرفته در این منطقه و شواهد به دست آمده، در گذشته به سبب دلایلی که ذکر شد، روستاهای مورد بحث دارای بافتی گسترده و پرجمعیت‌تر از اکنون بوده‌اند.

درباره‌ی این زیستگاه‌ها لازم به ذکر است که اگرچه آب به عنوان عامل حیاتی و تعیین کننده، نقش مهمی در بهبود شرایط کار و رونق کشت و زرع دارد، اما در مقابل، کمبود نسبی زمین‌های هموار که قابلیت کشت آبی را داشته باشند، در این نواحی کاملاً محسوس است. در گذشته، نوع معیشت مبتنی بر دامداری و باغداری سبب شده بود، بازده همان مقدار اراضی اندک و درآمد حاصل از دامداری، تراکم بسیاری را در حوزه‌ی روستایی این منطقه پدید آورد. اما به علت تغییراتی که در محیط به طور مصنوعی به وجود آمده، این تراکم در سال‌های بعد از ۶۵ رو به کاهش نهاده است. همچنین، شرایط طبیعی نامساعد در بیش تر فصل‌ها و عدم امکان بهره‌گیری از تکنیک‌های لازم در امر تولید، مهم‌ترین عواملی هستند که مانع از توسعه‌ی اقتصادی این گونه روستاها می‌شوند و بازتاب آن در بافت روستاها، در قالب عدم انسجام کالبد بافت، رشد بطنی آن و محقر بودن خانه‌ها متجلی می‌شود.

ورود افراد غیربومی به خصوص در فصل‌های خاص که سبب افزایش جمعیت در منطقه، حتی بیش تر از تعداد افراد بومی و خانه‌ها در منطقه می‌شود، عامل محرکی است برای دست کشیدن از کشت و زرع و فروش زمین‌ها و دام، کسب سود بیش تر. ادامه‌ی وضع فعلی باعث می‌شود که روستاها سیری آرام و ممتد را به سوی اضمحلال طی کنند. وجود کار روزمزدی در بخش‌های اطراف دهستان، چه در نواحی برنجکاری (در جلگه) و چه برای ساخت ویلاهای افراد شهری در منطقه، و بالا بودن درآمد آن در مقایسه با کشت روی زمین‌های دیم، از انگیزه‌های مؤثری است که باعث می‌شود، جوانان و مردان روستایی این قبیل روستاها را ترک کنند و آبادی‌ها از نیروهای کارآمد و سازنده‌ای که توسعه و تعالی روستا باید توسط آن‌ها صورت پذیرد، خالی شوند.

وجود درآمدهای ناشی از مشاغل غیربومی که بخش عمده‌ی آن تحت تأثیر عوارض مصنوعی قرار دارد، کم و بیش در شکل‌گیری خانه‌های روستایی مؤثر افتاده است. بدین صورت که با ایجاد کانون‌های جاذب نیروی کار در منطقه و احداث شریان ارتباطی، رفته رفته زمینه‌های اشتغال در رشته‌های غیربومی به شکل‌های گوناگون فراهم آمده است. در واقع، قسمتی از نیروی فعال روستا به صورت موقت یا دائم، با کنار گذاشتن معیشت دیرینه‌ی آبا و اجدادی خود، به کارهای متفاوتی چون خرید و فروش، مبادله‌ی کالا در سطح روستا، واسطه‌گری، رانندگی در خطوط ارتباطی بین آبادی‌ها و کار روزمزدی که معمولاً کارگری در امور بنایی و ساختمان‌سازی خانه‌های افراد

غیربومی و بومی است، و مشاغلی از این قبیل می‌پردازند. تغییر شرایط کار و معاش تحت تأثیر بوم مصنوع که حداقل دو خصیصه‌ی عمده‌ی آن، «الزام در انجام کار مستمر در بخش بزرگی از اوقات روزانه در خارج از محیط خانه» (و گاه روستا) و نیز «تحول در نحوه‌ی درآمد و دستیابی به پول» است، اگرچه در پاره‌ای از موارد به سرعت تحول جدیدی را در شیوه‌ی زندگی این گروه از روستائیان ایجاد نمی‌کند، اما به هر تقدیر، نشانه‌هایی از لزوم تغییر در واحد مسکونی را پدیدار می‌سازد. این امر در درازمدت، خواه ناخواه دگرگونی‌هایی را ایجاد خواهد کرد. در واقع، کم‌ترین تأثیر مشاغل یادشده را می‌توان در عدم احتیاج ساکنان خانه به فضاهایی که در خانه‌های بومی جنبه‌ی تولیدی دارند، ملاحظه کرد.

در حقیقت، وابستگی خانواده به واحد مسکونی به عنوان کانونی برای زیست و تولید، به احتیاج خانوار به محلی برای زیست، تغییر شکل داده است که طبیعتاً، محدود شدن (و یا حذف) فضاهای تولیدی و عمده شدن هر چه بیش تر فضاهای زیستی خانه، خود سبب تغییر حجم عناصر، کاهش فضاهای باز و در نتیجه، بروز تغییراتی تدریجی در خود کالبد روستا نیز خواهد شد.

وجود شیوه‌های معیشت سنتی سبب می‌شود، فضای واحد مسکونی، معمولاً چند خانوار خویشاوند که علاوه بر قربات، منبع درآمد و بالطبع منافع مشترکی نیز دارند، یا خانواده‌ای گسترده را در خود جای دهد. اما معیشت جدید و تأثیر عوامل مصنوع، گرایش به زندگی خصوصی‌تر را مطرح می‌سازد. در نتیجه، در واحدهای مسکونی جدیدی که تحت تأثیر این گونه شیوه‌های معیشت احداث می‌شوند، چندان نشانی از گسترش‌های بعدی به مانند واحدهای سنتی و ایجاد عناصر متعدد تولیدی و نیز اسکان بیش از یک خانوار را نمی‌توان مشاهده کرد.

بنابراین، عوامل بسیار مؤثر و قابل اهمیتی بر نحوه‌ی شکل‌گیری و استقرار سکونتگاه‌های دهستان دو هزار دخالت داشته‌اند که عبارتند از: جاذبه‌ها و چشم‌اندازهای طبیعی که نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای بر فرم و بافت روستاهای ناحیه دارند. در کنار آن می‌توان به عوامل مهم دیگری مانند: راه ارتباطی که از سال ۱۳۶۵ احداث شد و همچنین، عوامل اقتصادی و درآمد روستائیان منطقه اشاره کرد.

خانه‌های منطقه را از لحاظ شکل و آرایش بیرونی و نوع مصالح می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: خانه‌های سنتی و خانه‌های جدید. خانه‌های سنتی و بومی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: از گامه (دارد چین) و خشتی. خانه‌های نوع اول دارای قدمتی بیش از ۴۰ سال هستند و خانه‌های خشتی، حدود ۲۵ تا ۳۰ سال پیش در منطقه پدیدار شدند. خانه‌های جدید نیز با احداث جاده‌ی آسفالتی تنکابن به دو هزار در سال ۱۳۶۵، در منطقه گسترش پیدا کردند. عامل مهم راه و ورود مهاجران و افراد شهری به منطقه، نحوه‌ی ساخت خانه‌های بومیان را تحت تأثیر قرار داده است و ماطی ۱۵ سال اخیر شاهد



تغییر و دگرگونی در نحوه‌ی ساخت و نوع مصالح ساختمانی در خانه‌های روستاییان منطقه هستیم.

با تغییر و دگرگونی در خانه‌های روستایی، بسیاری از ابعاد و فضاهای مسکن روستایی دچار تحول شد. تاپیش از این مصالح مورد استفاده‌ی روستایی در ساخت مسکن، از محیط پیرامون روستا به دست می‌آمد و مسکن با کم‌ترین هزینه و همچنین در سازگاری و انطباق با محیط ساخته می‌شد. درصد خانه‌های سنتی از گامه در تمام روستاهای مورد مطالعه ۵۷ درصد، خانه‌های خشتی ۱۴ درصد و خانه‌های جدید و بلوکه ۳۰ درصد است. کارکردهای خانه در فرم سنتی، با نوع معیشت و اقتصاد روستاییان که دامداری و باغداری است، تناسب دارد. اما در خانه‌های جدید این کارکردها حذف شده و یا جای خود را به کارکردهای جدید، به تناسب نیاز ساکنان خانه داده‌اند. در این دهستان، با تأثیرپذیری از فرهنگ غیربومیان، روستاییان زمین‌ها و دام‌های خود را می‌فروشدند تا بتوانند از عهده‌ی هزینه‌ی ساخت مسکن جدید برآیند. در نتیجه، در خانه‌های جدید، در مقایسه با خانه‌های سنتی و بومی روستاییان، بسیاری از فضاها و عملکردها تغییر یافته است. ابعاد خانه، تعداد در و پنجره، نوع مصالح، بام، تعداد مساحت اتاق‌ها و بسیاری دیگر از اجزا و بخش‌های خانه دچار تحول شده است.

تمامی این تغییرات موجب تغییر کارکردها در خانه‌های جدید می‌شود. کارکرد خانه‌های سنتی در واقع، علاوه بر کمبود زمین و وجود شیب زیاد منطقه، ناشی از عامل اقتصادی و نحوه‌ی معیشت روستاییان است که بر فرم و نحوه‌ی معماری خانه‌های منطقه تأثیر شگرفی بر جای گذاشته است. در نتیجه، فضای مسکن فرم دو طبقه را در ناحیه سبب شده است که طبقه‌ی زیرین آن به محل نگهداری دام اختصاص دارد و بخش مسکونی شامل اتاق‌ها و ایوان است. مسکن بومی دارای ۳

کارکرد ویژه است: ۱. محل نگهداری و انبار محصولات کشاورزی؛ ۲. محل سکونت افراد؛ ۳. محل زندگی دام و انبار علوفه.

در خانه‌های جدید، این سه کارکرد جای خود را به دو کارکرد ویژه می‌دهد: ۱. محل نگهداری محصولات و وسایل کشاورزی، هم در فضای بین بام خانه و سقف و هم در طبقه‌ی همکف؛ ۲. محل سکونت افراد خانوار، در طبقه‌ی فوقانی. می‌توان گفت: مسکن جدید بیش‌تر برای استراحت و گرد آمدن خانوار دور هم مناسب است، نه این‌که مانند خانه‌های سنتی، هم محل سکونت و هم محل فعالیت افراد خانوار باشد.

گرچه در خانه‌های جدید ضریب اطمینان و استحکام بنا از لحاظ مقاومت در برابر حوادث و بلایای طبیعی و ساختمانی، در مقایسه با خانه‌های سنتی بسیار بالاست، اما نوع معیشت و فعالیت اقتصادی افراد در ارتباط و انطباق بیش‌تری با خانه‌های سنتی و بومی منطقه است. بنابراین می‌توان گفت، تعداد و درصد خانه‌های جدید در منطقه روز به روز در حال افزایش است و در آینده‌ای نه چندان دور، خانه‌های سنتی و بومی جای خود را به این‌گونه خانه‌ها با کارکردهای جدید می‌دهند.

منابع

۱. زرگر، اکبر. درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۸.
۲. سعیدی، عباس. الزامات اجتماعی-اقتصادی در ساخت و ساز مسکن روستایی، مجموع مقالات «سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران». جلد اول. ۱۳۷۳.
۳. مرکز آمار ایران. «فرهنگ آبادی‌های کشور»، شهرستان تنکابن. ۱۳۷۵.
۴. زرنجانی، حبیب‌اله. برآورد نیاز به مسکن در ۲۰ سال آینده، مجموعه مقالات اولین سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران. وزارت مسکن و شهرسازی. ج اول. تهران. ۱۳۷۴.